



امام نهم که نامش «محمد» و کنیه اش «ابوجعفر» و لقب او «تقی» و «جواد» می باشد، در نیمه ماه رجب ۱۹۵ هـ ق در شهر مدینه دیده به جهان گشود<sup>(۱)</sup>.  
مادر او «سبیکه» که از خاندان «ماریه قبطیه» همسر پیامبر اسلام به شمار می رود، از نظر فضایل اخلاقی، در درجه والایی قرار داشت و برترین زنان زمان خود بود، به طوری که امام رضا علیه السلام از او به عنوان بانویی منزّه و پاکدامن و بافضیلت یاد می کرد<sup>(۲)</sup>.

حضرت در مجموع دوران امامت خود با دو خلیفه عباسی، یعنی مأمون (۱۹۳-۲۱۸) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷) معاصر بوده است.  
«ابن حجر هیثمی» از علمای اهل سنت می نویسد: «مأمون او را به دامادی انتخاب کرد، زیرا با وجود کمی سن، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان

۱- ر.ک: طبرسی، اعلام الوری، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم) ص ۳۴۴، بعضی ولادت آن حضرت را در ماه مبارک رمضان سال ۱۹۵ می دانند. ر.ک: شیخ مفید، الارشاد، (قم، مکتبه بصیرتی) ص ۳۱۶.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (مکتبه الاسلامیه)، ج ۵۰، ص ۱۵.

برتری داشت. (۱)»

شیلنجی عالم دیگر اهل سنت می گوید: «مأمون پیوسته شیفته او بود، زیرا با وجود کمی سن، فضل و کمال عقل خود را نشان داده، عظمت خود را آشکار ساخت. (۲)»

به بهانه نیمه رجب و سالروز ولادت آن حضرت، در این مقال بر آنیم با ارائه یکی از مناظرات آن حضرت، خوشه‌ای از خرمن علم و فضل و کمال عقل او برگزیریم، و فرا روی اندیشه خویش قرار دهیم.

### مناظره امام جواد علیه السلام با یحیی بن اکثم

از امام جواد علیه السلام مناظرات متعددی نقل شده (۳) است که به عنوان نمونه به یکی از آن‌ها که مختصر و مربوط به مسائل اعتقادی است اشاره می‌شود، با تذکر این نکته که امام با حفظ تقیه، این مناظره را انجام داده است.

بعد از آن که مأمون ام الفضل را به تزویج حضرت جواد علیه السلام در آورد، یحیی بن اکثم (یکی از علمای اهل سنت) با جماعت بسیاری نزد آن حضرت و مأمون آمدند. یحیی عرض کرد: ای پسر رسول خدا! نظر شما درباره روایتی که [در مدارک اهل سنت] نقل شده است که «خداوند جبرئیل را فرستاد تا از پیامبر صلی الله علیه و آله بخواهد که از ابابکر سؤال کند: آیا او از خداوند راضی هست یا نه؟ با این که خداوند از او راضی می‌باشد» چیست؟

امام جواد علیه السلام فرمود: من منکر فضیلت ابابکر نیستم، ولی بر ناقل این ستور لازم است که طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود: «بعد از من جاعلان حدیث فراوان می‌شوند، لذا باید احادیث را بر قرآن و احادیث عرضه کنید؛ هر حدیثی که موافق قرآن و سنت من باشد به آن عمل کنید و اگر مخالف آن دو بود، بدان عمل نشود.»

۱- الصواعق المحرقة، (قاهره، مکتبه القاہرہ، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق)، ص ۲۰۵.

۲- شیلنجی، نور الابصار، (قاهره، مکتبه المشهد الحسینی)، ص ۱۶۱.

۳- احمد طبرسی، الاحتجاج، (قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۳)، ج ۲، ص ۴۸۱.

این خبر موافق با قرآن نیست، زیرا خداوند می‌فرماید: «ما انسان را آفریدیم و سوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما از رگ قلبش به او نزدیک‌تریم.»<sup>(۱)</sup> آن‌گاه چگونه می‌شود خداوند از رضایت و غضب ابابکر نسبت به خود بی‌خبر باشد، تا نیاز به سؤال داشته باشد؟ این عقلاً محال است.

یحیی گفت: روایت شده که ابابکر و عمر در زمین مانند جبرئیل و میکائیل در آسمان می‌باشند؟

حضرت فرمود: در این حدیث هم باید دقت نمود، چرا که آن دو فرشته از فرشتگان مقرب بوده، لحظه‌ای از طاعت خدا جدا نشدند و هرگز خدا را معصیت نکردند، و حال آن‌که آن دو مشرک بودند، بعد مسلمان شدند و اکثر عمر خود را در شرک به سر بردند، آن‌گاه چگونه می‌توانند همسان جبرئیل و میکائیل باشند؟ یحیی گفت: در روایات آمده که آن دو (ابابکر و عمر)، پیر مردان اهل بهشت می‌باشند، در این زمینه چه می‌گوئید؟

حضرت فرمود: این هم محال است، چون بهشتی‌ها همه جوانند و در آن‌جا پیرمردی وجود ندارد. این روایت را بنی‌امیه در مقابله با آن روایتی که می‌گوید: «حسن و حسین آقای جوانان بهشتی می‌باشند»، ساختند.

یحیی گفت: نقل شده که عمر چراغ اهل بهشت است. حضرت فرمود: این هم محال است، چرا که در بهشت فرشتگان مقرب، پیامبران، آدم و محمد صلی الله علیه و آله حضور دارند. چگونه بهشت با نور آن‌ها روشن نشده که نیاز به نور عمر باشد؟!

یحیی گفت: نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر من مبعوث نمی‌شدم، عمر به جای من مبعوث می‌شد.

حضرت فرمود: قرآن راستگوتر از این حدیث است، آن‌جا که می‌فرماید: «و هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن

۱- ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا نُوْشِوْهُ بِهٖ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾.

مریم، و ما از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم.<sup>(۱)</sup> آن گاه چگونه پیمان خداوند عوض می شود؟ [از این گذشته] پیامبران یک چشم به هم زدن مشرک نشدند، چگونه کسی به رسالت مبعوث می شود در حالی که اکثر عمر خود را در شرک به سر برده است؟!

یحیی گفت: در روایت آمده که پیغمبر ﷺ فرمود: اگر عذاب نازل شود، جز عمر کسی از آن رهایی نمی یابد.

حضرت فرمود: این هم محال است، چرا که خداوند می فرماید: «خداوند تا تو (پیامبر) در میان آن ها باشی، آن ها را عذاب نخواهد کرد و مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند، [باز هم] آن ها را عذاب نخواهد کرد.<sup>(۲)</sup>» می بینید که برای نزول عذاب دو مانع ذکر شده است و لا غیر؛

۱- وجود مبارک پیامبر ﷺ در بین مردم.

۲- توبه و استغفار مردم.<sup>(۳)</sup>

انجام چنین مناظره ای و پیروزی امام جواد علیه السلام چند پیامد مثبت داشت:

۱- با توجه به اینکه امام جواد علیه السلام در خردسالی به امامت رسید، عباسیان فکر می کردند او از نظر علمی ناتوان است و از این رو با ترتیب چنین مناظراتی سعی می کردند شخصیت او را خورد کنند. پیروزی امام در مناظره با پاسخ های قاطع و روشنگر، هر گونه شک و تردید را در مورد پیشوایی او و نیز اصل امامت از بین برد.

۲- این مناظره خط بطلانی بر بسیاری از احادیث جعلی کشید. احادیثی که به دستور حاکمان غاصب و برای تثبیت حکومت غصبی آنان توسط عده ای انسان خود فروخته جعل شده و موجب انحراف در امت اسلامی بود.

۱- احزاب/ ۷، ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾.

۲- انفال/ ۳۳.

۳- احتجاج، (پیشین)، ج ۲، ص ۴۷۷ - ۴۸۰.